



## مقالات و بررسیها

نشریه گروه تحقیقاتی دانشکده الهیات و معارف اسلامی

فروردین ۱۳۴۹

دفتر یکم

گفتگویی با  
هنگاران ارجمند و دانشجویان عزیز

مجموعه مقالات و بررسیها که اکنون نخستین دفتر آن انتشار می یابد نشریه گروه پژوهشی دانشکده الهیات و معارف اسلامی و شامل مقالات و بررسیهایی است که بوسیله هیأت علمی این دانشکده و سایر دانشمندان، در زمینه تحقیقات اسلامی و فلسفی و ادبی و هر آنچه با دروس و برنامه های این دانشکده ارتباطی دارد، نوشته می شود، و نظر این است که این نشریه، هم معرف قسمتی از فعالیتهای علمی و آموزشی این دانشکده باشد، و هم واسطه ای باشد تا نتیجه مطالعات استادان و صاحب نظران را در زمینه تحقیقات اسلامی در دسترس همه کسانی که به این گونه مباحث علاقه مندند چه در داخل و چه در

### فهرست مطالب و نام نویسنده

- ۱- گفتگویی با همکاران ارجمند و دانشجویان عزیز محمد محمدی
- ۲- اصل تضاد در فلسفه اسلامی مرتضی مطهری
- ۳- مقدمه‌ای بر کتاب الشعر والشعراء ابن قتیبه آذرتاش آذرنوش
- ۴- فلسفه در چهار قرن اخیر در ایران محمدتقی دانش‌پژوه
- ۵- تدارك پژوهش‌نامه امیرحسین آریانپور
- ۶- مقام جغرافیا در میان علوم حسین گونیلی
- ۷- نظری به ترجمه تاریخ ملل و دول اسلامی حسینعلی هروی، هادی عالمزاده

### فهرست خبرهای دانشکده هیات و معارف اسلامی

- کنگره دانشگاه‌های اسلامی در کشورغرب - کنگره هزاره شیخ طوسی در مشهد  
اخبار دوره‌های تخصصی دانشکده - مقررات جدید دوره‌های فوق لیسانس دانشگاه - شرایط  
اختصاصی ورود به دوره‌های فوق لیسانس دانشکده هیات در سال تحصیلی ۵۰ - ۱۳۴۹ .

آن چنین بیان داشتند که: «علوم قدیمه را که در نتیجه عدم اهتمام رو به زوال و سستی می‌رفت از زوال و اندراس حفظ کند و کسانی در این دانشکده تربیت شوند که هم حافظ مواریت گذشته باشند و هم سعی کنند با عصر جدید همگام و همعنان گردند». آنچه را در آن روزگار به نام «علوم قدیمه» یا «معقول و منقول» خوانده‌اند و امروز به نام معارف اسلامی خوانده می‌شود بدان جهت از مواریت گذشته این سرزمین شمرده‌اند که علاوه بر فرهنگ غنی اسلامی مشتمل بر زبده آثار تمدن و فرهنگ ایران و جلوه‌گاهی از ثمره خرد و اندیشه مردم این مرزوبوم نیز هست. زیرا بیش از هزار و سیصدسال است که فرهنگ ایران با فرهنگ اسلامی آمیخته است و در طی این مدت طولانی گذشته از زبان فارسی که رنگ اسلامی به خود گرفته دانشمندان ایرانی بیشتر آثار ارزنده فکر و قریحه خود را به زبان عربی و در قالب معارف اسلامی پرداخته‌اند تا حدی که امروز قسمت اعظم از ذخائر علمی و فلسفی زبان عربی را همان آثار تشکیل می‌دهند.

از اصل سیزدهم منشور انقلاب آموزشی هم که مقرر می‌دارد: «دانشگاه مهمترین کانون پرورش علم و فرهنگ ملت است و در کشور ما که خود دارای یکی از غنی‌ترین تمدنهای جهانی است باید نقش اساسی را در حفظ مواریت ملی ایفا کند» چنین برمی‌آید که امروز نیز با همه توجهی که به حق به علوم و تکنولوژی عصر حاضر میشود، و شاید همین توجه نیز یکی از عوامل اصلی انقلاب آموزشی باشد، به حفظ مواریت ملی نیز اهتمام کامل هست تا حدی که آنرا یکی از وظائف اصلی دانشگاه به شمار آورده‌اند.

مواریت ملی که در این اصل بدان اشاره شده بدون شک ناظر

خارج کشور قرار دهد . و امید است که در آینده با پیشرفت مستمر خود نموداری از پیشرفتهای علمی و آموزشی این دانشکده گردد .

در دوران تحول که نیازمندیهای مادی و معنوی جامعه به سرعت تغییر می‌یابد بر مؤسسات علمی و تربیتی هم فرض است که پیوسته در هدفهای خود تجدیدنظر نمایند، و آنرا با میزان نیازمندیهای جدید اجتماع به‌سنجند، و به‌تناسب آن در برنامه‌ها و روش کار خود تحولی که گاه ممکن است بسیار عمیق و اساسی باشد بوجود آورند . دانشکده الهیات نیز از این قاعده کلی مستثنی نیست ، و شاید این مؤسسه که از یک طرف با روشهای علمی و دانشگاهی و از طرف دیگر با سنتهای دینی و اجتماعی سروکار دارد نیاز بیشتری به‌چنین تجدیدنظری داشته باشد .

آنچه تاکنون در اجرای اصول انقلاب آموزشی در این دانشکده انجام یافته همه بدین منظور بوده که آنرا برای تحولی هم‌آهنگ با تحولات اجتماعی و فرهنگی ایران آماده سازد ، و اکنون که همه ما این آمادگی را احساس می‌کنیم ، ضرورت دارد که در آغاز مرحله جدید هدف یا هدفهای این دانشکده را از نو بررسی نمائیم تا معلوم شود که این دانشکده در اجتماع کنونی یا آینده ایران چه وظائفی برعهده خواهد داشت و برای انجام آنها چه راهی باید در پیش گیرد .

در می‌وشش سال پیش که این دانشکده به‌نام دانشکده علوم معقول و منقول با دانشگاه تهران به‌وجود آمد هدف از تأسیس آنرا در آیین‌گشایش

مسئله توجه شود که آیا ایمان و علاقه ما به حفظ آنچه در قلمرو وظایف این دانشکده قرار می‌گیرد تا چه پایه است؟

ما نمیدانیم کسانی که مسائل را از دید دیگری می‌نگرند و از هر طرف با مسائل پیچیده حال و آینده درگیرند نسبت به موارد گذشته و حفظ آن چگونه می‌اندیشند؛ و صرف مال و وقت را در این راه چگونه می‌بینند، آیا آن را لازم یا مفید می‌دانند، یا زائد و بیهوده می‌شمرند. ولی ما معتقدیم برای ملتی که خود را به حق از بنیان گذاران فرهنگ اسلامی میدانند شایسته نیست که از این فرهنگ و تحولات تاریخی آن بی اطلاع ماند و بیشتر دانشمندان گذشته خود را که در ایجاد و گسترش این فرهنگ سهمی به سزا داشته‌اند نشناسد. و در عصری که حتی در سرزمینهای بیگانه هم برای بحث و تحقیق در آثار همان دانشمندان گذشته مراکز علمی مجهزی به وجود آمده در سرزمین اصلی آن دانشمندان برای این منظور مراکزی مجهزتر وجود نداشته باشد.

بنظر ما این بک فریضه ملی است که برای درک گذشته علمی و فرهنگی خود در تجلیات گوناگون آن وسائلی در خور همان گذشته علمی خود فراهم سازیم و دانشمندان و بزرگان این سرزمین را در هر جا و در هر لباس که بوده و به هر زبان که سخن گفته یا نوشته‌اند به درستی بشناسیم، با توجه به اینکه شناختن علما و اندیشمندان به آن نیست که تنها نامی از آنها بدانیم یا شرح زندگی مادی آنها را که همه در آن شریکند بخوانیم، بلکه به آن است که از خصوصیات علمی و محصول فکر و قریحه آنان مطلع شویم و شخصیت معنوی آنها را از خلال آثار خود آنها بدست آوریم.

در اینجا چند مطلب است که بجا خواهد بود با کمال دقت به آنها توجه

به همه مظاهر فکر ایرانی و همه تجلیات آن است اعم از اینکه در زبان فارسی باشد یا عربی ، و در سرزمین ایران به وجود آمده باشد یا خارج از آن ، و اگرگان بریم که موارث فرهنگی و ملّی ایران تنها منحصر است به آنچه در زبان فارسی یازبانهای قدیم ایران تدوین شده یا در محدوده جغرافیائی این کشور به وجود آمده است حق تاریخ فکر و ادب ایران را به درستی ادا نکرده ایم و بدست خود فصلهای درخشانی از تاریخ خود را از آن زدوده ایم . زیرا فرهنگ ایران همیشه در مرزهای جغرافیائی ایران و در دایره زبان اصلی خود محدود نمانده است بلکه در دوره های مختلف به مقتضای هر عصر و زمان در خارج از مرزهای ایران و در قالب زبانهای دیگر نیز جلوه های بدیع و جالبی داشته است که جالب تر و بدیع تر از همه جلوه آن در زبان عربی و در پهنه جهان گسترده اسلام است . و اگر بنا باشد که دانشگاه همچنانکه منشور انقلاب آموزشی مقرر داشته در حفظ موارث ملّی در تمام مظاهر آن نقش اساسی ایفا کند از آنجا که قسمت اعظم این موارث با معارف اسلامی عربی آمیخته بلکه این معارف خود بخش مهمی از آنرا تشکیل می دهد و فهم صحیح و درک ارزش آن جز در زمینه مطالعات اسلامی و از خلال مآخذ عربی میسر نیست ناچار این قسمت از آن در دایره وظائف و هدفهای دانشکده الهیات و معارف اسلامی قرار می گیرد . و این وظیفه ای است سنگین و خطیر که برای انجام آن در سطح پیشرفتهای علمی و تحقیقی عصر حاضر باید پیش از پیش مجهز بود .

بنظر ما به جای بحث در اینکه آیا دانشکده الهیات در حال حاضر تا چه حد برای ادای چنین رسالتی مجهز به وسائل لازم هست یا نیست بهتر است به این

فرهنگ ملی ما است، و علاوه بر آن در عصر حاضر از مهمترین عوامل تفاهم بین ملت‌های مختلف اسلامی بشمار می‌رود. این حقیقتی است که باید به آن واقف بود که شناخت ملت‌ها و درک خصوصیات روحی و اخلاقی آنها جز از طریق شناخت فرهنگ و ادب آنها میسر نیست، و هرچند تاکنون به اهمیت فرهنگ مشترک اسلامی در زمینه روابط با کشورهای اسلامی چنانکه باید توجه نشده و این عامل مؤثر چنانکه شایسته است مورد استفاده قرار نگرفته است ولی این امر به هیچوجه از اهمیت موضوع نمی‌کاهد.

وضع‌ای که در عصر حاضر در روابط بین ملت‌ها به وجود آمده با گذشته اختلاف بسیار دارد، مسائل امروز ملت‌های دور افتاده و بیگانه‌راهم به هم نزدیک و باهم آشنا ساخته چه رسد به ملت‌هایی که روابط ایشان ریشه‌هایی روحی و معنوی و سابقه‌ای بسیار طولانی دارد. و اگر به این پیوندهای فرهنگی روابط اقتصادی و سیاسی راهم که پیوسته رو به فزونی است بیفزایم به این نتیجه می‌رسیم که شناخت صحیح ملت‌های اسلامی بر اساس فرهنگ مشترک و خصصت‌های ویژه آنها و همچنین آشنائی با سرزمین‌های مختلف اسلامی با همه خصوصیات آنها یکی از اموری است که باید به آن توجه خاص شود. مساعده‌ای که در گذشته در این مورد شده باعث گردیده که امروز اطلاعات ما درباره بسیاری از این ملت‌ها و سرزمین‌های آنها نارسا باشد و از لحاظ افراد عالم و بصیر در زمینه‌های مورد احتیاج در مضیقه باشیم ولی هیچ علتی وجود ندارد که در آینده نیز همچنان در این کار مساعده روا داریم یا از آن غفلت ورزیم. و این نیز در دایره وظایف کسانی قرار می‌گیرد که با علوم و معارف اسلامی سروکار دارند تا همانطور که با پاسداری از فرهنگ

کنیم؛ یکی آنکه موارث ملّی آن نیست که در لابلای کتابهای کهن و در زاویه های فراموش شده کتابخانه ها دور از فهم و خارج از دسترس قرار گرفته باشد. موارث ملّی باید جزئی از شخصیت افراد و خود عاملی برای تکوین سجایای ملّی باشد. و این اصلی است که در منشور انقلاب آموزشی هم به آن توجه خاص شده زیرا در همین منشور مقرر شده است که : « هدف نهائی آموزشی کشور پرورش افرادی است که غیر از تخصص در علوم و فنون مختلف دارای شخصیت و سجایای مطلوب و بهره مند از مظاهر فرهنگ ملّی باشند. » و ما معتقدیم که موارث ملّی ایران در همه تجلیات آن بهترین نمودار سعی و کوشش مردم این سرزمین در خدمت به علم و تمدن جهان است، و معرفت بدانها موجب سرفرازی و امید نسلهای کنونی و آینده ایران خواهد بود. سرفرازی بدین سبب که در گذشته در پیش برد فرهنگ بشری سهمی داشته اند و امید از آن رو که در آینده نیز اگر مانند همان گذشتگان دانش دوست با همت و واقع بینی به کار و کوشش پردازند در آنها این پایه و مایه هست که در جمع ملتهای با علم و فرهنگ جهان جای شایسته ای برای خود باز کنند.

و دیگر آنکه نباید گمان بریم که موارث گذشته چیزی است بیرون از نیاز مندیهای زندگی و حافظان این موارث همچون عتیقه فروشان کالائی را عرضه می دارند که به گذشته های خیلی دور تعلق داشته و در زندگی حال یا آینده ایران جانی برای آن نیست. موارث اسلامی ایران یعنی تمام آن مبانی فکری و روحی که قرنها برای فرهنگ و تمدن ایرانی بنیانی استوار بوده و امروز نیز از پایه های اصلی



همگامی با زمان ایجاب می‌کند که پژوهنده هر رشته‌ای پیوسته با کار دانشمندان و محققان دیگری که در هر گوشه دنیا در همان رشته‌ها رشته‌های وابسته بحث و بررسی می‌کنند از راه نشر به‌های علمی آشنائی کامل داشته باشد و از پیشرفت عمومی فرهنگ بشری هم بی‌خبر نماند. حصار فکری و عقلی که در چند قرن اخیر بر این مرز و بوم کشیده شده بود و عارف و عامی هر دو را یکسان از پیشرفت‌هایی که در نقاط دیگر جهان نصیب عقل حقیقت‌جوی انسان گردیده بی‌خبر گذاشته بود یک عارضه زبان‌بخش بود که نه در فرهنگ اصیل ایران پایه‌ای داشته و نه با تعالیم اسلامی سازگار بوده است. فرهنگ ایران در تمام دوره‌هایی که از آفت‌های خارجی برکنار بوده چه پیش از اسلام و چه پس از آن همیشه دری به سوی جهان باز داشته و یکی از مشخصات چشم‌گیر آن همین جهان‌بینی آن است. و پیشرفت علمی جهان اسلام نیز در دورانی به اوج خود رسید که حسن احترام به تمدن‌های گذشته و اقتباس از علوم و فرهنگ ملت‌های دیگر در بین علمای اسلام رسوخ کامل داشت، و آنان بودند که فرهنگ اسلامی را با ترجمه آثار علمی و فلسفی و ادبی ملت‌های دیگر مانند ایران و یونان و هند غنی و ثروتمند ساختند. ما نیز در چنان دورانی زندگی می‌کنیم دورانی که باید خود را با علم و دانش عصر مجهز سازیم و با حفظ فرهنگ و سنجایی ملی خود به کاروان علم و تمدن عصر حاضر به پیوندیم.

در چنین عصری دانشکده‌الهیات باید سعی کند که در زمینه اختصاصی خود نه تنها پیوسته در سطح مؤسسات علمی و تحقیقی عصر حاضر باشد بلکه در بعضی رشته‌ها که این سرزمین زادگاه و محل نشوونمای آنها بوده چنانکه از آن انتظار می‌رود مرکز و مرجع علمای عصر حاضر گردد و به صورتی

گذشته این سرزمین رابطی بین دوره کنونی و یک دوره مهم از تاریخ ایران هستند ایجاد و حفظ روابط علمی و ادبی با سایر ملت‌های اسلامی را هم بر اساس شناخت مبتنی بر مطالعه و تحقیق بر عهده گیرند، و در هر زمینه و هر رشته مربوط به کشورها و ملل اسلامی افرادی مطلع و متخصصانی در سطح احتیاجات علمی و اجتماعی کشور باشند.

مطلب دیگر که شاید یادآوری آن نیز بی مورد نباشد این است که حفظ موارث گذشته و سروکار داشتن با مظاهر فرهنگ ملی بدین معنی نیست که ما فقط در خود فرو رویم و به اندوخته‌های گذشته خود قانع باشیم بدون اینکه در خور این عصر چیزی بر آن بیفزاییم. یکی از آفت‌های بزرگ برای مؤسسات علمی نظیر این دانشکده که بیشتر با گذشته سروکار دارد این است که از جهان پیرامون خود و دیگر گونیه‌های آن برکنار ماند و از پیشرفت زمان غافل شود. جهان امروز با دنیای گذشته فرق‌های اساسی و مهمی دارد که مهمتر از همه سرعت پیشرفت و گسترش بی‌مانند علم و صنعت است. این پیشرفت سریع در همه رشته‌های معارف بشری و از آن جمله در همه رشته‌های علوم انسانی و فلسفی اثری عمیق گذاشته و همه را از دایره‌های تنگ سابق بیرون کشیده و در سطح جهانی مطرح ساخته است. دیگر هیچ فرد دانش طلب یا مؤسسه علمی که بخواهد همگام با تحولات جهانی پیش برود قادر نیست که به تنهایی و در انزوا به کار خود ادامه دهد. عصر حاضر عصر همکاری‌های علمی و فکری است و آنچه هر روز از مظاهر پیشرفت علم و صنعت می‌بینیم همه ثمره همین همکاریها است.